

نقش پدر و مادر در پرورش و تربیت فرزندان

زکيه محمدی*

چکیده

نقش والدین برای کودک و زندگی حال و آینده‌ی او بسیار مهم است. در این مقاله سعی بر آن شده که وظایف و نقش‌های والدین در تربیت فرزندان مورد بررسی قرار گیرد. به همین دلیل ابتدا تعریفی از خانواده و سپس واژه‌ی تربیت ارائه شده و پس از آن نقش‌های پدر و مادر در تربیت فرزندان به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است. سرانجام آگاهی والدین از نقش‌ها و وظایف خود و تلاش بیشتر برای بهتر انجام دادن آنها مهم تلقی شده است. این تحقیق بیشتر بر روش کتابخانه‌ای معطوف است.

کلید واژه‌ها: خانواده، تربیت، پدر و مادر، نقش‌ها و وظایف

مقدمه

بدون تردید، اصول تربیتی پدر و مادر، در موفقیت فرزندان تأثیر مستقیم و بسزایی از خود بر جای می‌گذارد. به طور کلی، والدین بر حسب دانش و تجربه قبلی و با تکیه بر روش‌های تربیتی خود، در صدد تربیت فرزندی کامل و موفق بر می‌آیند. از سوی دیگر، نحوه تعامل و ارتباط والدین با فرزندان، یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار برای تحویل دادن فرزندان سالم و متعهد به جامعه می‌باشد. گفتنی است که پدر و مادر دانا، علاوه بر برقراری ارتباط و تعامل عمیق و قوی با فرزند خود، در جهت شناسایی نیازهای او اقدامات لازم را بکار می‌بندند. همچنین این دسته از والدین چتر حمایتی

@gmail.com* mohammadizakieh

* مراقب سلامت دبستان نجمیه شهرستان قشم

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۵



خود را به صورت کامل، بر سر فرزندان خود باز می‌کنند. ضمناً پدر و مادر موفق، زمینه ساز و سکوی پرتابی برای موفقیت فرزندان خود به شمار می‌روند. در سوی مقابل، پدر و مادر معمولی، در تعامل و ارتباط با فرزند خود، صمیمیت کمتری را لحاظ می‌کنند. ادامه این روند، به تدریج یک شکاف و خلأ عاطفی را میان بچه‌ها و والدین ایجاد می‌سازد. ناگفته نماند که بر اساس تحقیقات صورت گرفته، پدر و مادر، علی‌الخصوص پدر، در یادگیری سالم، شناخت احساسات و ایجاد اعتماد به نفس در فرزند، نقش برجسته و پررنگی را بر عهده دارد. سهل‌انگاری در این امر، عصبانیت، پرخاشگری و احساس ناامنی را در وجود بچه‌ها متبلور می‌سازد.

تعریف خانواده

در جوامع انسانی، خانواده به گروهی از افراد گفته می‌شود که با یکدیگر از طریق هم‌خونی، تمایل سببی، یا مکان زندگی مشترک وابستگی دارند. خانواده در بیشتر جوامع، نهاد اصلی جامعه پذیری کودکان است. سازمان ملل متحد (۱۹۹۴) نیز در آمار جمعیتی خود، خانواده را چنین تعریف می‌کند: «خانواده یا خانوار به گروه دو یا چند نفره‌ای اطلاق می‌شود که با هم زندگی می‌کنند؛ درآمد مشترک برای غذا و دیگر ضروریات زندگی دارند و از طریق خون، فرزندخواندگی یا ازدواج، با هم نسبت دارند. در یک خانواده ممکن است یک یا چند خانواده زندگی کنند، تمام خانوارها، هم خانواده نیستند.» انسان شناسان به طور کلی نهاد خانواده را این‌طور طبقه‌بندی می‌کنند: مادرتباری (مادر و فرزندان او)، زناشویی (زن و شوهر، و فرزندان؛ که خانواده هسته‌ای نیز خوانده می‌شود)، و خانواده گسترده (consanguinal) یا هم‌خونی که در آن پدر و مادر و فرزندان با دیگران مثلاً خویشاوندان در مکان مشترکی زندگی می‌کنند. همچنین در برخی جوامع مفاهیم دیگری از خانواده وجود دارد که روابط سنتی خانواده را کنار گذاشته‌اند. خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی جامعه پذیری، در جامعه‌شناسی خانواده مورد بررسی قرار می‌گیرد. تبارشناسی رشته‌ای است که دودمان‌های خانوادگی را در تاریخ مطالعه می‌کند. همچنین اقتصاد خانواده در علم اقتصاد بررسی می‌شود. اهداف خانواده و اقتضای تأسیس آن ایجاب می‌کند که بانیان آن یعنی



زن و شوهر، در تحکیم و پایداری این بنا، نهایت سعی خود را بکنند و با همان انگیزه که بر تشکیل آن اقدام کردند، بر دوام آن اصرار ورزند تا وحدت و پویایی این نهاد تا پایان حفظ شود. در خانواده نقش‌های مختلفی وجود دارد که هر کدام با توجه به ویژگی‌هایشان توسط یک یا چند نفر از اعضای خانواده انجام می‌شوند. به عنوان مثال وظیفه امرار معاش خانواده بر عهده پدر خانواده می‌باشد. یکی از وظایف بسیار مهم در خانواده تربیت فرزند است که به عهده پدر و مادر می‌باشد؛ ولی به خاطر ارتباط بیشتر مادر با فرزند تأثیر بیشتر از طرف مادر بر فرزند صورت می‌پذیرد.

تعریف تربیت

تربیت در لغت از ماده «ربا» به معنی «زاد و نما»، «نمو» گرفته شده است همچنین تربیت از کلمه‌ی «رب» به معنی مالک، سید و مربی اشتقاق می‌یابد و اینگونه معنی می‌شود: انجام وظیفه کردن به شیوه‌ی نیکو و پسندیده.

با در نظر گرفتن مفهوم لغوی، تربیت عبارت است از انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت، تا بتواند استعدادهای نهفته اش را در تمام ابعاد وجودی خویش به طور هماهنگ پرورش داده و شکوفا سازد و به سوی هدف و کمال مطلوب، به تدریج حرکت کند.

به طور کلی مقصود تربیت کودک به طور خاص آن است که مربی، اعم از پدر و مادر، معلم و ... فرزندان را در بعد روحی و اخلاقی در جهت سعادت و کمال مطلوب پرورش دهد. به گونه‌ای که جسم و جان و عقل و علم او افزایش یابد و در این باره به طوری انجام وظیفه نماید که آنچه به مصلحت اوست از امور مربوط به دین و دنیای وی، انجام پذیرد.

نقش پدر و مادر در زندگی فرزندان

به طور کلی، رفتار و حضور پدر و مادر علاوه بر تربیت فرزندان، در ابعاد مختلف زندگی آنها نیز بسیار تأثیرگذار و مؤثر می‌باشد. گفتنی است که عدم حضور یا مؤثر نبودن هر یک از والدین، باعث بروز آسیب در زندگی و جنبه‌های مختلف شخصیتی فرزندان می‌شود. حضور گرم و



صمیمانه والدین تأثیر بسزایی در شخصیت فرزندان برجای می‌گذارد. شایان ذکر است که بچه‌ها به صورت ناآگاهانه یا آگاهانه، خصوصیات بسیاری از پدر و مادر خود به ارث خواهند برد. بر این اساس، والدین دارای ویژگی‌های اجتماعی، بچه‌های خود را به سوی اجتماعی شدن رهنمون می‌سازند.

همچنین نحوه صحبت و نوع رفتار پدر و مادر با فرزندان، بستر مناسب برای تحریک احساسات و رشد آنها را فراهم می‌آورد. در یک نگاه کلی، پدر و مادر آینه تمام‌قد و مهمترین الگوی فرزندان به شمار می‌آیند. بنابراین، بچه‌ها رفتار والدین خود را از نزدیک لمس نموده و آن را تقلید و تکرار می‌نمایند. بر این اساس، ارتباط و تعامل مناسب و احترام قائل شدن پدر و مادر برای یکدیگر، سبب فراگیری و آموزش ارتباطات سالم و حفظ احترام در فرزندان می‌شود. تفکیک نقش هر یک از والدین از دیگری در ایفای نقش آموزشی و تربیتی بسی مشکل است، گرچه می‌توان در مواردی آن را تفکیک کرد. در بخش به تفکیک به نقش پدر و مادر پرداخته می‌شود

نقش پدر خانواده

نقش اقتصادی

از جمله وظایف و تعهدات مرد که بعد از عروسی و ازدواج به عهده اش می‌آید نفقه و تأمین نیازهای اقتصادی خانواده است. نفقه از وظایف ویژه مرد بوده و از حقوق قطعی زن و اعضای خانواده می‌باشد. نفقه از چیزهایی است که علاوه بر وجوب شرعی و الزام دینی، از نظر قانونی نیز بر مرد لازم و واجب است تا آن را بپردازد؛ یعنی نفقه علاوه بر پشتوانه شرعی از پشتوانه حکومتی و قضایی نیز برخوردار بوده و چنانچه مردی نفقه واجب همسر خود را نپردازد، قانون او را ملزم به این کار خواهد کرد. البته در آموزه‌های دینی توصیه شده زن نیز در تأمین مخارج زندگی با مرد، همکاری داشته باشد و سعی کند فشار اقتصادی خانواده را با صرفه جویی و تدبیر، کاهش دهد.



نقش حمایتی

در آموزه‌های دینی در خصوص نقش حمایتی پدر و همچنین نقش تأمین امنیت خانواده به ویژه فرزندان، توصیه‌های وجوبی و استحبابی وجود دارد که به نوعی در راستای تأمین امنیت روانی و جسمانی اعضای خانواده بوده و همین طور در جهت حمایت اجتماعی آنان است. دستوراتی مثل استحباب عقیقه کردن گوسفند برای نوزادان در روز هفتم.

قال الصادق علیه السلام:

«الْغُلَامُ رَهْنٌ بِسَابِعِهِ بِكَيْبِشِ يَسْمَى فِيهِ وَيَعْقُ عَنْهُ»

«سلامتی و تندرستی هر نوزادی در گرو قربانی کردن گوسفندی است که برای او معین شود و از طرفش در روز هفتم تولدش عقیقه گردد».

واجب بودن نفقه و مخارج زندگی فرزندان بر پدر (تا سنین خاص)، تأمین مسکن همسر و فرزندان

نقش ولایتی

یکی دیگر از نقش‌ها که پدر در خانواده دارد، نقش ولایت است. ولایت در مفهوم وسیع آن به نوعی اختیار در تصرف در اموال یا شئونات شخص دیگر اشاره دارد و مراتب آن نیز از نظر شدت و ضعف متفاوت است. ولایت بر تزویج و حق حضانت و نگهداری و حق کنترل و تأدیب کودک است.

نقش آموزشی و تربیتی

در رابطه با نقش تربیتی و آموزشی والدین به خصوص پدران، دستورات زیادی هم در آموزه‌های دینی و هم در آموزه‌های روانشناختی، بیان شده است که نشان می‌دهد نقش آموزشی و تربیتی والدین به عنوان نقشه‌ای مهم و قابل توجه از زمان تولد فرزندان و حتی قبل از آن آغاز می‌گردد.

قال رسول الله صلى الله عليه و آله:

«رَجِمَ اللَّهُ وَالِدًا أَعَانَ وَكَلَدَهُ عَلَى الْبَرِّ»

«خدا رحمت کند پدری را که به نیکی و صلاح فرزند خویش کمک کند».



همچنین فرمودند:

«رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَعَانَ وَكَدَّهُ عَلَىٰ بَرِّهِ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ وَالتَّأَلُّفِ لَهُ وَتَعْلِيمِهِ وَتَأْدِيبِهِ»
«رحمت خداوند بر پدری باد که به سبب احسان به فرزندش به نیکوکاری فرزندش کمک کند و با او انس و الفت داشته باشد و علم و ادبش آموزد».

نقش عاطفی

در باب روابط عاطفی والدین با فرزندان نیز به گفتگوی مهربانانه و دل سوزانه با فرزندان؛ نگاه مهربانانه به آنها، دست کشیدن بر سرشان، بوسیدن و در آغوش کشیدن فرزند، بازی با کودکان، برخورد صمیمانه و در سطح درک کودکان با آنها، دوری از ابراز خشم و عواطف نامناسب نسبت به آنها احترام به کودک با نیکو صدا زدن، گفت و گوی محترمانه و... توصیه شده است.

نقش مادر

منظور از نقش مادری در اینجا فراتر از مسئله زایش و به دنیا آوردن کودک است. منظور از نقش مادری، ارتباط خاص با فرزندان از زمان انعقاد نطفه تا تولد و از آن زمان تا بزرگسالی است. درباره نقش مادری به تمام ابعاد آن یعنی؛ عناصر عاطفی، بهداشتی، تغذیه ای و مراقبتی توجه می گردد. ایفای نقش مادری از زمان انعقاد نطفه شروع می شود و مادر با مراقبت های مختلفی که می کند، زمینه لازم را برای سلامتی روحی و روانی و جسمی کودک، فراهم می سازد.

امام سجاد علیه السلام در رساله الحقوق ضمن توجه به فرایند مراقبت های مادر از فرزند، به جایگاه و نقش مادر در قبال فرزندان اشاره کرده و می فرماید: «مادر تورا (فرزند را) به طوری حمل و نگهداری کرده (در درون خود و جای امن) که هیچ کس این گونه دیگری را حمل و مواظبت نمی کند و از شیر جانش به فرزند داده که هیچ کس این کار را درباره دیگری روانی ندارد، با تمام وجود یعنی به وسیله چشم، گوش، دست و پاها و حتی پوست و مویش، از تو مواظبت کرده این مواظبت ها را با شادی، خنده و نشاط انجام داده، سختی های این کار و درد و رنج های آن را تحمل نموده تا اینکه با قدرت الهی تو را بزاید و به دنیا بیاورد بعد از تولد نیز راضی شده فرزندش



سیر باشد در حالی که خودش گرسنه بوده، تو را پوشانده درحالی که خودش پوششی نداشته (کنایه از توجه به فرزند) تشنه بوده و تو را سیراب کرده، برای شما سایبان فراهم کرده در حالی که خودش در آفتاب بوده، با سختی فرزندش را نگهداری کرده و زمینه خواب و استراحت او را فراهم ساخته و سینه اش و بغلش، منزل و مأوای فرزند بوده و سینه اش سیراب کننده او بوده و همین طور با تمام وجود محافظ فرزند بوده و از سردی و گرمی دنیا، او را محافظت کرده». در این روایت شریف، امام سجاد علیه السلام به صورت ضمنی بسیاری از نقش های مادرانه بیان فرموده است.

تربیت جسمانی

وجود فرزند در روایات به «گل» تشبیه شده است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «الولد الصالح ریحانه من ریاحین الجنه»؛ «فرزند صالح گلی است از گل های بهشت». وجه تشبیه فرزند به گل این است که فرزند در سال های نخست زندگی، مخصوصا نوزادی از نظر ظاهری و جسمانی همانند گل بهاری، جسمی دارد بس لطیف و نازک و روحی دارد با عاطفه و طراوت که نیاز شدیدی به حفظ و نگه داری دارد و اگر از او مواظبت نشود هر لحظه ممکن است لطافت و جذابیت خود را از دست داده به پژمردگی و زردی بگراید. همان گونه که در جهان متمدن امروز شاهد از بین رفتن بسیاری از کودکان هستیم که بر اثر بی توجهی والدین و نرسیدن به آن ها، رشد کمی و کیفی خود را از دست داده، دچار نارسایی جسمی و روانی می شوند. از این رو، هم از نظر وجدان و شرع و هم بر اساس عرف مردم، توجه جدی به تربیت فرزند و تأمین نیازهای او در این شرایط حساس ضروری می نماید.

تنها کسی که در دوره کودکی می تواند به نیازهای جسمی و روحی کودک به صورت مناسب پاسخ دهد، مادر است؛ چرا که مادر از هر کس دیگری آشناتر به شرایط زیستی و روانی کودک است و اوست که با مهر و رأفت و محبت می تواند از او حفاظت کند و از آلودگی ها و ناپاکی ها شست و شو دهد و به رفع احتیاجاتش بپردازد. مادر با دست خود کودک را نوازش می دهد و با



یک زمزمه و لالایی خواندن طفل را به خواب می‌برد. تر و خشک کردن بچه در سال‌های اول زندگی کاری است بس مشکل و طاقت فرسا که تنها با مهر مادری امکان پذیر خواهد بود. تربیت جسمانی کودک از دیگر ابعاد تربیت اهمیت کمتری ندارد، و به همین دلیل گفته شده عقل سالم در بدن سالم است. اگر بدن انسان سلامت نداشته باشد و جسم رشد کافی نکند، فرد به لحاظ روحی و روانی، آدم سالم و نرمالی نخواهد بود. نقش مادر در تربیت جسمی و ظاهری کودک بر کسی پوشیده نیست و مادران باید در زمینه رشد جسمانی فرزند بسیار حساس بوده و شرایط لازم را فراهم آورند.

تربیت دینی

تربیت دینی از نظر اسلام و قرآن از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است و از آغاز زندگی فرزند باید بدان توجه کرد. نقش مادر در پرورش دینی و مذهبی فرزند روشن است. مادر هم پیش از تولد می‌تواند ایفای نقش کند و هم پس از آن در دوره‌های کودکی، نوجوانی و جوانی. چون هدف از این نوشتار بررسی نقش مادر در تربیت دینی فرزند در این دوره‌هاست، به تفصیل به این بحث خواهیم پرداخت.

تربیت عاطفی

مادر به لحاظ روانی-عاطفی سرشار از مهر و محبت و صفا و صمیمیت است. چون ساختار وجودی مادر به گونه ای آفریده شده که قدرت جذب فوق العاده ای دارد و در ابراز احساسات و عواطف از توان بالایی برخوردار است. قدرت گیرایی مادران در سطح بسیار عالی قرار دارد که اگر درست استفاده شود در ایجاد پیوند خانوادگی و چگونگی شکل گیری روابط اجتماعی و تربیت اولاد نقش سازنده ای خواهند داشت. مادر می‌تواند با رعایت اصول و قوانین اسلامی در سامان دهی امور خانواده و پرورش فرزند نقش مهمی ایفا نماید؛ چرا که ویژگی عاطفی زنان بستر مناسبی است برای ایفای نقش مادری و تربیت اولاد و مهم ترین نقشی که از یک مادر انتظار



می‌رود چیزی جز نقش تربیتی او نمی‌تواند باشد. یکی از جنبه‌های مهم نقش تربیتی مادر، نقش وی در پرورش عواطف فرزند است که آثار آن در اعمال و رفتار وی به زودی نمایان می‌گردد. اسلام، ویژگی عاطفی - روانی مادران را مورد توجه خاص قرار داده و برای این جنبه از ابعاد وجودی آنان اهمیت فراوان قائل شده است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: خداوند به زنان و مادران مهربان تر از مردان است. این توجه ویژه خداوند به عواطف مادران، مسئولیت آنان را در برابر فرزندان شان نیز زیادتر می‌کند؛ چه این که ایشان باید فرزند را با تعادل عاطفی پرورش دهند و این حالت را در آن‌ها تثبیت و حفظ نمایند. بی‌مهری مادر مهم‌ترین عامل از بین بردن تعادل عاطفی فرزند است و چه بسا موجب افسردگی و پریشانی وی می‌گردد.

تربیت اخلاقی

نقش مادر در تربیت اخلاقی فرزند بر همگان روشن است و چندان نیازی به تبیین ندارد؛ چرا که مادر الگوی رفتاری و اخلاقی برای فرزند است، هر کار ریز و درشتی که انجام دهد در منش و نحوه رفتار او با دیگران تأثیر می‌گذارد. مادر با رفتار الگویی خود انسان می‌پروراند، فرزند را از عالم ناپاکی‌ها، حسدها، کینه‌ها و رذائل اخلاقی دور می‌سازد و در دلش مهر و صفا و خیر اندیشی نسبت به هم‌نوعان پدید می‌آورد. مادر، سرچشمه فضیلت‌ها و خوبی‌هاست، او در محیط خانه می‌تواند درس تقوا و خداترسی به فرزند دهد و از کودکی ضعیف و ناتوان شخصیت بزرگ علمی و اخلاقی بسازد و تحویل جامعه دهد.

در مقابل اگر مادر به وظیفه خویش عمل نکند و در برابر چشمان کودک دست به رفتارهای نامناسب و ناشایست بزند، طبیعی است که کودک از او تبعیت می‌کند و در نتیجه پست و منحرف تربیت خواهد شد. امام خمینی «ره» در این زمینه می‌فرماید: «مادر خوب بچه خوب تربیت می‌کند و خدای نخواسته اگر مادر منحرف باشد، بچه از همان دامن مادر منحرف بیرون می‌آید و چون بچه‌ها آن علاقه‌ای که به مادر دارند به هیچ کس ندارند و در دامن مادر که هستند تمام چیزهایی که دارند، آرزوهایی که دارند خلاصه می‌شود در مادر و همه چیز را در مادر می‌بینند.»



تربیت عقلانی

عقل از ابعاد مهم وجود انسان است که اگر شکوفا گردد، توان آن را دارد که خوب را از بد و خیر را از شر تشخیص دهد و صاحبش را به سعادت و خوش بختی برساند. تربیت این بخش از نیروی درونی انسان وظیفه اولیا و مربیان است که باید بدان توجه کنند و در درجه اول اهمیت قرار دهند. انبیاء الهی همه برای تربیت عقلانی آمدند و در این مسیر حرکت کردند و تا آن جا که توانستند به وظیفه شان عمل نمودند. امام علی (علیه السلام) در خطبه اول نهج البلاغه می‌فرماید: «و یشروا لهم دقایق العقول»؛ «خداوند پیامبران خود را پی در پی اعزام کرد تا توانمندی‌های پنهان عقل‌ها را آشکار سازند.»

از کلام حضرت چنین بر می‌آید که عمده هدف انبیاء تربیت عقلانی بشر بوده است. همان گونه که خداوند در قرآن کریم مکرر به این مسئله اشاره فرموده و تربیت عقلانی را در آیات متعدد مورد تأکید قرار داده است. «كذلك يبين الله لكم آياته لعلكم تعقلون»؛ «این چنین، خداوند آیات خود را برای شما شرح می‌دهد، شاید اندیشه کنید.» ماده «عقل» به هیئت‌های مختلف در قرآن کریم به کار رفته و در همه آن‌ها به تفکر و اندیشه ورزی انسان تأکید و مواد تعقل نیز ذکر شده است. در آیه یاد شده آیات الهی متعلق تأمل و تفکر بیان شده که به دو بخش انفسی و آفاقی تقسیم می‌گردد. هر یک از این آیات خداوند زمینه مناسبی برای عقل ورزی و تدبر و تفکر می‌باشد.

مادران، در تربیت عقلانی فرزندان شان نقشی بسزا دارند. آن چه مهم است، شیوه اجرای فرایند تربیت عقلانی است که باید مورد توجه مادران قرار گیرد. اتخاذ روش مناسب در شکوفا سازی نیروی اندیشه و تعقل فرزندان بسیار اثر گذار می‌باشد. پرسش و پاسخ، طرح مسابقات همراه با تشویق، تفریح و گردش و بازدید از باغ و بوستان و گل‌ها و شکوفه‌های رنگارنگ و توجه دادن فرزندان به آفریدگار جهان از روش‌های مؤثر در پرورش عقل و اندیشه آنان است.



تربیت جنسی

تربیت جنسی عبارت است از فراهم آوردن زمینه رشد متناسب غریزه جنسی همراه با رشد دیگر جنبه‌های جسمی و معنوی انسان و نیز پیشگیری از انحرافات و لغزش‌های مربوط به آن. طبیعی است که پرورش درست فرد در حیطه گرایش‌های جنسی مستلزم آموزش و ارائه اطلاعات کافی در این زمینه می‌باشد. چون رفتار جنسی انسان مبتنی بر آگاهی‌ها و نگرش‌هایی است که وی در حوزه رفتاری مربوطه دارد، بر این اساس مربیان باید شرایط فردی و اجتماعی را به گونه‌ای فراهم آورند که ضمن رشد و نمو متعادل و طبیعی امیال جنسی بر معلومات متربی در این مورد افزوده گردد و او به انتخاب خود از خطاهای جنسی اجتناب نماید.

از آن جا که حیات جنسی انسان از بدو تولد شروع می‌شود و به تدریج رشد و نمو پیدا می‌کند و کم‌کم خود را نشان می‌دهد، مادر می‌تواند نقش مؤثری در این زمینه ایفا کند و روش‌هایی را در تربیت فرزند به کار گیرد که رشد جنسی وی به صورت طبیعی و توأم با افزایش شناخت دینی و اخلاقی باشد.

وظیفه مادر نسبت به تربیت فرزند، به ویژه تربیت جنسی او بسیار سنگین است؛ چرا که از کودکی اگر مواظبت‌های جنسی و آموزش‌هایی در مورد آن داده نشود، ممکن است با فرا رسیدن دوران بلوغ کار از کار بگذرد و توصیه‌های تربیتی دیگر اثری بر او نداشته باشد. مادر از همان آغاز باید به این امر توجه داشته باشد و فضای خانه را به گونه‌ای آماده سازد که کم‌ترین نشانه‌ای از تحریکات جنسی در آن مشاهده نگردد.

البته در قدم اول باید رفتار مادر کاملاً حساب شده باشد و بدون لباس، به صورت نیمه‌عریان در برابر پسری که به سن بلوغ نزدیک است ظاهر نشود. هم‌چنین اتاق خواب پسران و دختران تا جایی که امکان دارد از هم جدا و یا حداقل در یک بستر نباشد. روشن است که مادر در این مسائل نقش اساسی دارد.



تربیت سیاسی

تربیت سیاسی تربیت مهمی است که در تحقق هدف‌های مادی و معنوی جامعه نقش اساسی دارد. هر ملتی بر اساس اصول و معیارهای مورد قبول خود، از زندگی، یک سلسله هدف‌هایی در نظر می‌گیرد و در تحقق آن‌ها می‌کوشد. اما دست‌یابی به این اهداف، تأمین نیازها و پیشرفت جامعه در همه ابعاد، مستلزم وجود فرهنگ سیاسی قدرتمندی است که متناسب با اوضاع و احوال سیاسی - اجتماعی روز باشد. وجود چنین فرهنگی مبتنی بر اندیشه‌های دینی، در میان نسل جوان جامعه از اهمیت خاصی برخوردار است. از این روست که تربیت سیاسی برای آگاه ساختن مردم، به ویژه جوانان و نوجوانان، از مسائل سیاسی، اجتماعی و اندیشه‌های اساسی نظام حاکم ضرورت دارد؛ زیرا تربیت سیاسی فرایندی است که طبقات گوناگون جامعه را با معیارها و اصول بنیادین حکومت آشنا ساخته، فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی را چنان به هم نزدیک می‌سازد که هیچ‌گونه اصطکاک و برخوردی بحران‌زا روی ندهد.

تربیت سیاسی فرایندی است فراگیر که زمان و مکان معین ندارد و در هر محیط و شرایطی قابل اجراست. شاید مناسب‌ترین مکان آموزش و پرورش نیروهای سیاسی همان فضای خانه‌های کوچک و محقر مردم باشد که سیاست‌مداران بزرگ از آن جا بیرون می‌آیند و تحولی در جامعه ایجاد می‌کنند.

اگر تاریخ زندگی رهبران و شخصیت‌های بزرگ دنیا را در گذشته و حال مطالعه کنیم، خواهیم یافت که اغلب آن‌ها از همین خانه‌های به ظاهر محقر ظهور کرده‌اند، نه از خانه‌های ثروتمندان که نقش مادران در تربیت چنین افرادی جای تردید ندارد.

امام خمینی «ره» می‌فرماید: «یک مادر ممکن است یک بچه را خوب تربیت کند و آن بچه یک امت را نجات بدهد و ممکن است بد تربیت کند و آن بچه موجب هلاکت یک امت بشود». این کلام امام دلیل روشنی بر اهمیت نقش مادران در شکل دادن اندیشه‌های سیاسی فرزندان است. همان‌گونه که خود ایشان نیز از خانواده مؤمن و طبقه متوسط جامعه ظهور کرد و معادلات سیاسی و نظامی جهان را به هم ریخت.



نتیجه گیری

امروزه روشن شده است که عمده ترین فقر بشریت در جامعه‌ی ماشینی و صنعتی در جهان معاصر، فقر فرهنگی و عاطفی است و مهم ترین مشکل کودکان و نوجوانان امروزی در خانواده‌ها کمبود عشق، عاطفه و محبت است؛ همان طوری که انسان نیاز به آب و غذا دارد، نیاز به محبت هم دارد. عمده ترین دلیل ناسازگاری فرزندان در خانواده‌ها، عامل بسیاری از ناهنجاری‌ها مانند فرار از خانه و امثال آن، ریشه در کمبود عاطفه و محبت دارد. فقر عاطفی موجب می‌شود شخصیت انسان در نزد خود حقیر و پست باشد و کرامت و عزت خود را از دست بدهد؛ چنین انسانی آبرو و عزت خود را بر باد رفته پنداشته و به هر کاری دست می‌زند.

از مهم ترین ناهنجاری‌های خانوادگی، ایجاد گسست شدید عاطفی بین اعضای خانواده و ازهم گسیختگی خانواده‌ها است. کودک در محیط گرم محبت، اظهار محبت را از پدر و مادر یاد می‌گیرد، خوش قلب، خیرخواه و انسان دوست بار می‌آید؛ چون طعم شیرین محبت را چشیده، در فردای زندگی حاضر است این عمل را نسبت به دیگران انجام دهد. چنین انسانی وقتی بزرگ شد همین اظهار محبت را نسبت به همسر، فرزندان و دوستان و معاشران خود انجام می‌دهد. فرزندان که از عقده‌ی حقارت و فقر عاطفی رنج می‌برند و برای خود هیچ گونه ارزشی قایل نیستند، نمی‌توانند افرادی مورد اعتماد باشند و مسؤولیتی را در جامعه عهده دار شوند. سایر افراد جامعه نیز از شر این افراد در امان نخواهند بود؛ اما اگر والدین بتوانند با محبت، احترام، ارتباط صمیمانه و کرامت نفس را در نوجوانان تقویت کنند، آنان در آینده انسان‌های سالم و دوست‌داشتنی خواهند بود و وجود خود را با گناه و معصیت آلوده نخواهند کرد.

در دنیای امروزی که با پیشرفت‌های تکنولوژی و انفجار اطلاعات از طریق توسعه‌ی وسائل ارتباطی در موارد بسیاری برای نشانه گرفتن هویت و اعتقادات جوانان و نوجوانان راه اندازی شده‌اند؛ و نیز با کم‌رنگ شدن روابط صمیمی والدین و فرزندان، قرار گرفتن بنیان خانواده در مسیر تهاجم فرهنگی، دور شدن والدین و بعضاً توجه نداشتن والدین به تربیت فرزندان همراه‌اند. عدم توجه والدین به سالم‌سازی محیط روانی و عاطفی کودکان و نوجوانان و فقدان روابط مناسب، در بیشتر موارد آنان را با کمبودهای عاطفی، انگیزشی و مشکلات روانی روبه‌رو می‌سازد.



ارزش خانواده بیش از هر چیز بر پایه‌ی مودت و دوستی بین اعضای آن دو استوار است؛ اعضای که انجام حقوق مقابل، آنان را در کنار یکدیگر نگاه داشته است. اگر این جریان بر اساس دوستی و تفاهم ادامه یابد به کمال انسانی مورد نظر خواهد انجامید.

منابع

- وسائل الشیعه، چاپ بیروت، ج ۱۵.
- جایگاه زن در اندیشه امام خمینی «ره».
- علی قائمی، سازندگی و تربیت دختران.
- مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت، چاپ هشتم، تهران، انتشارات الزهراء، ۱۳۶۵.
- سادات، محمد علی، اخلاق اسلامی، چاپ سوم، تهران، شرکت چاپ و نشر ایران، ۱۳۷۳.
- بنیامین اسپاک، تغذیه، تربیت و نگهداری کودک، ترجمه احمد میرعابدینی، چاپ اول، تهران، نشر چکامه، ۱۳۶۲.
- علی اکبر شعاری نژاد، روان شناسی رشد، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۲، چاپ دهم.